

گواهی ارائه مقاله



پژوهشگران گرامی سرکار خانم/ جناب آقای

عاطفه طبری فرد، جعفر طاهری

مقاله ی ارزشمند شما با عنوان:

الگوهای سازماندهی قلمرو های فضایی در مجتمع های مسکونی - تجاری شهر مشهد

با سطح پذیرش : سخنرانی

که در دومین کنگره بین المللی افق های جدید معماری و شهرسازی توسط دانشگاه تربیت مدرس و با همراهی دانشگاه ها و موسسات پژوهشی و فرهنگی دیگر در محل دانشگاه تربیت مدرس، در تاریخ های ۱ و ۲ اسفند ماه ۱۳۹۴ برگزار گردیده و مورد پذیرش هیئت داواران قرار گرفته است. تلاش پژوهشگرانی چون شما که در راستای پاسداری از تمدن بزرگ و فرهنگ کهن مان گام برمی دارند و هر روز موجبات رشد و بالندگی آن را فراهم می آورند شایسته سپاس و ارج نهادن است. ضمن تقدیر از تلاش های ارزنده شما، توفیق روزافزونتان را در مسیر اندیشه و ایمان آرزومندیم.



دکتر محمدرضا بمانیان  
دبیر کنگره بین المللی افق های جدید در  
معماری و شهرسازی

دکتر مجتبی انصاری  
رئیس کنگره بین المللی افق های جدید در  
معماری و شهرسازی



## الگوهای سازماندهی قلمروهای فضایی

در مجتمع‌های مسکونی-تجاری شهر مشهد

عاطفه طبری فرد<sup>۱</sup>، جعفر طاهری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد معماری پردیس بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد، [a\\_tabarifard@stu.um.ac.ir](mailto:a_tabarifard@stu.um.ac.ir)

<sup>۲</sup> استادیار دانشکده معماری و شهرسازی و هنر اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، [j.taheri@um.ac.ir](mailto:j.taheri@um.ac.ir)

### چکیده

تامین خلوت مطلوب، محوری‌ترین موضوع ارتباط انسان و محیط، جز با تعریف روشن قلمروهای فضایی امکان پذیر نیست. این امر لزوم پرداختن به این مهم را در مسکن، اصلی‌ترین خلوت‌گاه انسانی، بیش از سایر فضاها روشن می‌سازد. ترکیب محیط مسکونی با سایر کاربری‌ها و به ویژه کاربری تجاری، از یک سو یگانه راه رونق بخشی به مراکز شهری معرفی شده و از سوی دیگر ارتباط تنگاتنگ میان کاربری‌ها می‌تواند به خدشه دار شدن قلمروهای مسکونی منجر گردد. این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و از طریق بررسی و تحلیل مجتمع‌های مسکونی و تجاری موجود در شهر مشهد، الگوهای سازماندهی این قلمروها را از دو منظر بصری و کارکردی استخراج نموده است. از منظر بصری هم نشینی این دو قلمرو در دو الگوی متصل و منفصل خلاصه می‌شود که انفعال این دو قلمرو به واسطه فضایی با کاربری سوم و یا فضای باز مجموعه اتفاق افتاده است. از تحلیل این مجتمع‌ها از منظر کارکردی نیز الگوهای همجوار و مرتبط از طریق فضای واسط بدست آمد که موقعیت فضای واسط و نیز نوع آن الگوها و کیفیت‌های متفاوتی در این مجتمع‌ها ایجاد نموده است. نتایج تحلیل این الگوها نشانگر آنست که از منظر بصری، هم نشینی منفصل دو قلمرو خوانایی بیشتر این مجموعه‌ها را به همراه داشته و از منظر کارکردی، بهره‌گیری مناسب از فضاهای واسط، می‌تواند علاوه بر تامین خلوت مطلوب ساکنین، سرزندگی شهری را نیز به ارمغان آورد.

واژگان کلیدی: قلمروهای فضایی، اختلاط کاربری‌ها، مجتمع مسکونی-تجاری

## Organizing Patterns of Spatial Territories Mashhad Residential and Commercial Complexes

Atefe Tabari Fard<sup>1</sup>, Jafar Taheri<sup>2</sup>

<sup>1</sup>M.A student, International Branch of Ferdowsi University, [a\\_tabarifard@stu.um.ac.ir](mailto:a_tabarifard@stu.um.ac.ir)

<sup>2</sup>Assistant Professor, Ferdowsi University, [j.taheri@um.ac.ir](mailto:j.taheri@um.ac.ir)

### Abstract

Providing desired privacy as a basic subject in human and environment relationship can not be reached without defining the spatial territories. This fact shows the necessity of this subject in housing environment as the most fundamental human private environment. Therefore combination of residential environment with other land uses, specially commercial uses, is the unique way of quality up cities, on the other hand close relation of these uses can disturb residence territories.

This article, using descriptive-analytical method, tries to obtain patterns of organizing these territories by analyzing residential and commercial complexes from visual and functional points of view in Mashhad.

From visual point of view, these two territories can be positioned in two patterns: **connected pattern** and **separated pattern**, in which this separation occurs by a third use space or complex open space.

From functional point of view, two patterns are obtained: **Neighbour pattern** and **connected by in-between space pattern**. Position of this in-between space and its type, brings different quality to the complexes.

Results show that from visual point of view, separated combination of territories bring more legibility and from functional point of view, appropriate usage of in-between spaces not only prepares desired privacy, but also will provide city animation.

Keywords: Spatial territories, Mixed land uses, Residential and commercial complex.

قلمروهای فضایی و تعریف روشن عرصه های مختلف زندگی در چنین مجموعه هایی میسر نخواهد بود. (عینی فر، ۱۳۹۰، ص. ۱۷)  
لذا این نوشتار با هدف شناسایی و طبقه بندی الگوهای سازماندهی قلمروهای فضایی در مجتمع های مسکونی و تجاری، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، به بررسی چند نمونه از این مجموعه ها در شهر مشهد پرداخته و در پی شناخت انواع قلمروها در این مجتمع ها و الگوهای سازماندهی آنها در مقیاس میانی (واحد های مسکونی و تجاری) است. این تحلیل ها بر اساس نقشه های طراحی شده آنها، مطالعات میدانی و مشاهده حضوری صورت پذیرفته است. بر این اساس، در بخش اول مفهوم قلمرو و مفاهیم وابسته به آن به صورت عام تشریح و بررسی خواهد شد. در بخش دوم این مفهوم در بستر مجموعه های چند عملکردی بررسی و سلسله مراتب آن معرفی می شود و بخش سوم به ارائه الگوهای سازماندهی قلمروها و تحلیل آنها از جنبه های گوناگون اختصاص یافته است.

## ۱. قلمرو

قلمرو در لغت به معنی ملک، مملکت و ولایت متصرفه است. ملک و ولایتی که در آن نوشته قلم پادشاهی رود و مردم آنجا نوشته او را قبول نمایند. (فرهنگ دهخدا، ذیل واژه قلمرو). مفهوم قلمرو، از منظر زبان در حیطه اختیارات، متصرفات و تملکات قرار می گیرد؛ هر موجود زنده بنا بر خصلت خود مدعی قلمروی خاص شده و از آن در مقابل اعضای دیگر گونه ها دفاع می نماید.

با نگاه تاریخی نیز خواهیم یافت که از همان ابتدای سکونت انسان و ایجاد سرپناه های اولیه، شکل دهی آگاهانه به محیط زیست سبب نوعی نشانه گذاری هدفمند شده است که از تحت تملک قرار دادن محدوده ها حکایت دارد. (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص. ۶). لئون پاستالان قلمرو مکانی انسان را اینگونه تعریف می کند: «قلمرو مکانی، فضای محدود شده ای است که افراد و گروه ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می کنند. قلمرو با یک مکان، هویت روانشناختی می یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به صورت نماد در می آید» (لنگ، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۹)

از منظر فلسفی نیز، هایدگر معتقد است اجزاء اصلی قلمرو جنبه خصوصی و مشخص بودن آن و نیز مسأله دفاع است. (بحرینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۸، به نقل از رابرت سومر، ۱۹۶۹). بنا بر این می توان گفت نکته های که در بسیاری از تعاریف به آن اشاره شده مسئله تجاوز و دفاع از قلمرو است. (آلتمن، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۰)

اغلب قلمروها را منبعث از مالکیت حقوقی و توأم با نشانه گذاری های مالکانه بیان می کنند، اما این امکان نیز وجود دارد که

پرداختن به موضوع کیفیت فضای زیست - که بخشی از آن فضای ساخته ما به عنوان آثار معماری و فضای شهری است - امری نیست که اهمیت آن بر کسی پوشیده باشد. رابطه انسان - محیط رابطه ای دوسویه است. هر دو به نوعی بر هم تأثیر گذارده و از هم متأثر می شوند. انسان، بسته به ارزشهای فرهنگی محیط خود، به برخی فضاها، محرک ها و رویدادها معنی می بخشد و متناسب با آنها رفتار می کند. دانش روان شناسی محیطی به عنوان شاخه ای از روان شناسی و زیرمجموعه ای از علوم رفتاری، به مطالعه رفتارهای انسان در رابطه با سکونتگاه یا محیط کالبدی پیرامونش می پردازد. (امامقلی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۲۴ و ۲۵) مفهوم قلمرو در دانش روان شناسی محیطی به عنوان یکی از محوری ترین مفاهیم در بررسی ارتباط محیط و رفتار محسوب شده و سازو کاری برای فراهم آوردن خلوت محسوب میشود. (آلتمن، ۱۳۹۰، ص. ۳۷) قلمرو مفهومی بسیار کلیدی و تعیین کننده در همزیستی انسان ها بوده و عدم تعریف و تبیین و یا ابهام در آن ها را می توان به عنوان نخستین دستاویزها برای چالش و نزاع میان گونه های مختلف قلمداد نمود. تاریخ نشان داده که بیشتر جنگ و ستیزهای انسان به دلیل تنازع بر حدود و قلمرو های گوناگون در مقیاس های مختلف بوده است. (قلعه نویی، ۱۳۹۲، ص. ۳) این مفهوم رفتار قلمروپایی یا قلمروگرایی را به دنبال دارد که می توان این رفتار و پیامد های آن مانند مالکیت و دفاع فعال را در طول تاریخ و در تمامی گروههای انسانی مشاهده نمود. (عینی فر، ۱۳۹۰، ص. ۱۸) چگونگی ارتباط و تعامل مردم در فضای ساخته شده و چگونگی کنترل مردم بر فضای معماری از طریق رفتار قلمروپایی از اساسی ترین مفاهیم در طراحی محیط است. (لنگ، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۱). عواملی چون تأمین خلوت و فضای شخصی و داشتن رفتار قلمروپایی به ارضای نیازهای دیگری چون هویت، انگیزش، امنیت، خودشکوفایی و عزت نفس و حس تعلق به محیط و رضایت از مکان زندگی در انسان ها می انجامد. (Hall, 1995, Altman & Chemers, 1980) به نقل از یگانه و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۶) این امر خصوصا در مسکن انسانها که امروز دیگر نه به عنوان سرپناه صرف، بلکه به عنوان زادگاهی که سلسله مراتب کارکردهای مختلف سکونت کردن یا زندگی کردن را برای همیشه در لوح وجود انسان حک می کند، (سیمون، ۲۰۱۰، ص. ۳۷) نمود پررنگ تری می یابد.

در شرایط امروز که اختلاط کاربری ها و گسترش مجموعه های مسکونی از پیش طراحی شده و ترکیب آنها با کاربری های دیگری همچون تجاری، یگانه راه جان بخشی دوباره به شهرهای متروک معرفی میشود (پوردیهیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۵)، حفظ قلمرو خانه مسکونی افراد و صیانت از قلمرو آن بیش از پیش ضروری می نماید. این مهم جز با رعایت اصل سلسله مراتب در

می شوند، بلکه همان گونه که یونانی ها نیز پی برده بودند، مرز آن است که از آن بعضی چیزها، شروع به حضور می کنند.» (پرتوی، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۰). مکان و قلمروی آن، بدون مرزها و ارتباطاتش با محیط مجاور نمی تواند موجودیت داشته باشد (سون-یانگ، ۲۰۰۳، ص. ۶۲). محصوریت نقش مهمی را در ایجاد درک فضایی و ارتباطی استفاده کننده و محیط ایفا می کند تا جایی که اگر یک فضا به شکل مطلوبی محصور نشود، نمی توان به یک فضای شهری مطلوب دست یافت (سیدیان و دیگران، ۱۳۸۶، ص. ۴۵).

همواره این نکته برای طراحان شهری مطرح بوده است که چگونه قلمرویی را که از جانب گروه‌های مختلف خودی تلقی می گردد، شناخته و آن را مشخص نمایند. شناسایی و تمییز مکانها و سازماندهی آنها در ساختار ذهنی نه تنها به افراد اجازه عملکرد موثر را می دهد، بلکه منبع احساس امنیت، دلپذیری، خوشایندی و درک نیز هست. افراد خواهان وضوح کالبدی و مکان هایی قابل درک و مرتبط با احساسات و اهداف خود هستند. (بحرینی، ۱۳۷۸، ص. ۲۵) اگر شخصی احساس در درون بودن در مکان داشته باشد، وی به جای آنجا، در این جاست، به جای ترس، احساس ایمنی دارد، به جای بی پناهی، پناهگاه دارد و به جای اضطراب، حس راحتی دارد. (سیمون و سوروز، ۲۰۰۸، ص. ۴۵) هر چه ارتباطات بینایی، بویایی و شنوایی هر قلمرو با فضای محیط پیرامون خود کمتر باشد، مرزهای قلمرو قوی تر و پر رنگ تر است و بنا بر این استقلال هر فضا بیشتر و شناسایی قلمرو محسوس تر است. (علی الحسابی، ۱۳۸۷، ص. ۲۴) قلمروها می توانند نامرئی بوده و گاه با صراحت مشخص شده باشند و توسط انواع نمادها و موانع فیزیکی محدود گردند. فرم یک مکان تأثیر بسیاری در درجات خلوت و اردحام آن دارد که این امر به نوبه خود در احساس راحتی افراد نقش دارد. محصور بودن فضا نیز حسی از امنیت را ایجاد می کند. (بحرینی، ۱۳۷۸، ص. ۲۲)

### ۱-۳- انواع قلمرو های انسانی

با وجود اینکه مفهوم قلمرو در شرایط متفاوت ابعاد دقیق و ثابتی ندارد، تلاش های متعددی صورت گرفته است که گونه های مختلف قلمرو را شناسایی نماید. یکی از اساسی ترین گام ها در تشخیص انواع قلمرو، توجه به عرصه بندی در محیط های مسکونی است. الکساندر و چرمایف در یک تقسیم بندی، سلسله مراتب فضاهای عمومی شهری، فضاهای نیمه عمومی شهری، فضاهای عمومی یک گروه، فضاهای خصوصی یک گروه، فضاهای خصوصی یک خانواده و فضاهای خصوصی افراد را معرفی کرده اند. چنین تقسیم بندی را می توان به صورتی کلی تر، یعنی فضاهای عمومی، نیمه عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی معرفی نمود (بحرینی، ۱۳۷۸، ص. ۲۱).

قلمروها بدون مالکیت قانونی و براساس احساس مالکیت نسبت به فضای کالبدی (ازکیا: ۱۳۸۷، ص. ۲۲۱ به نقل از Belt et al) یا براساس فهمی مشترک از یک امر اجتماعی دایر شوند. این حد از قلمروگرایی، حسی است که از تعلق و انس به مکان نشئت می گیرد و شکلی از اشکال تجریدی برای کنترل بر فضا می باشد (بحرینی ۱۳۷۸، ص. ۷۱ و ۷۰) این رفتار از طریق نظارت بر تعامل اجتماعی، رابطه افراد را تسهیل کرده و از این رهگذر، از تضاد و ارتباط نادرست اجتماعی جلوگیری می کند (آلتمن، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۹). بنا بر این معرفی رفتار قلمروپایی، به عنوان نتیجه قلمروگرایی ذاتی همه موجودات زنده و بررسی نتایج آن خالی از لطف نخواهد بود. در ادامه این بخش، مرز قلمرو به عنوان نشانگر موجودیت قلمرو و یکی از مهم ترین مباحثی که در این حوزه مطرح است مورد تحلیل اجمالی قرار گرفته و در پایان نیز برخی تلاشهای پژوهشگران در راستای شناسایی گونه های مختلف قلمرو، بررسی خواهد شد.

### ۱-۱- رفتار قلمرو پایی

بررسی مورخان و جامعه شناسان نشانگر آن است که رفتار قلمروگرا یا قلمروپایی و پیامدهای آن مانند مالکیت و دفاع فعال را در طول تاریخ و در تمامی گروه های انسانی می توان مشاهده نمود. هرچند رفتار قلمروگرا، فرآیندی پیچیده است که بر حسب شرایط و مقتضیات زمان تغییر می کند؛ با این وجود این رفتار سبب شده است که انسان ها یک نشانه و مکان را برای هویت یگانه خود در جهان برگزینند؛ این نشانه و مکان برای هویت شخصی و هویت اجتماعی قابل رویت است و نوعی حس مالکیت همراه با دفاع را به وجود می آورد. (Lawson، ۲۰۰۱، ص. ۱۶۷) . ایروین آلتمن معتقد است رفتار قلمروپایی، ساز و کاری است برای تنظیم حریم بین خود و دیگران که با شخصی سازی و یا نشانه گذاری یک مکان یا یک شیء و تعلق آن به یک فرد یا گروه بیان می شود. (لنگ، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۹) بسیاری از رفتارهای اجتماعی دارای جنبه قلمرویی هستند که باید به صورت فضایی تعریف شده و با توجه به مکان ها تغییر یابند. قلمروها مشخص شده، نظارت شده و دفاع شده هستند. رفتارها نیز به این صورت مشخص می گردند. (بحرینی، ۱۳۷۸، ص. ۲۱) رفتارهای قلمروی از مقیاس فضای شخصی تا سطوحی از رفتار که نوعی وفاداری ملی (و منطقه ای) را شکل می دهند، در کنار مزایای بنیادی امنیت و انگیزش نقشی مهم در هویت بخشی به افراد دارند. (Porteous: 1976 به نقل از فلامکی، ۱۳۹۳، ص. ۲۸)

### ۱-۲- مرز قلمرو

هر نوع محصوریتی به وسیله مرز تعریف می شود. هایدگر در این باره می گوید: «مرز آن نیست که بعضی چیزها در آن متوقف

یکی از معروفترین طراحان حامی استفاده چند منظوره از فضاهای شهری، جین جیکوبز است. (پوردیپیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۵) او ۴ شرط اصلی را برای خلق تنوع بارور در خیابان‌ها و در نتیجه سرزندگی شهری بیان میکند که اولین آنها تنوع کاربری‌ها و آخرین آنها تنوع فعالیت‌ها می‌باشد. در واقع به اعتقاد او تنوع فعالیت‌ها، سرزندگی را به دنبال خواهد داشت؛ البته این کاربری‌ها هستند که فعالیت‌ها را پدید می‌آورند و با وجود کاربری‌های مختلط، قطعاً تنوع فعالیتی نیز بالا می‌رود و در نتیجه آن تنوع افراد مراجعه‌کننده در ساعات متفاوت روز افزایش می‌یابد. بنابراین یکی از ملزومات سرزندگی خیابان، وجود کاربری مختلط و تنوع آنهاست. (جیکوبز، ۱۳۸۶، ص. ۱۶)

امروزه با ظهور عصر پایداری در پی بروز بحران انرژی در دهه ۷۰ میلادی، معیارهایی برای محلات پایدار شهری بر شمرده شده که اختلاط کاربری‌ها از جمله این معیارها می‌باشد. (مفیدی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۶۰) در همین راستا، "بن هم کارتر" معتقد است یکپارچه کردن خرده‌فروشی‌ها، مکان‌های مسکونی، تفریحی و زیرساخت‌های اجتماعی به مردم امکان می‌دهد بیشتر وقت خود را در درون محله خود سپری کرده و نیاز به جابه‌جایی کاهش یافته و حس تعلق به محله افزایش یابد. (Bonham-Carter، ۲۰۱۰، ص. ۱۳۶)

کاهش وابستگی به اتومبیل، حفظ فضای سبز و منابع طبیعی، افزایش سرزندگی، توسعه اقتصادی و متعادل‌سازی قیمت مسکن، القای حس مشارکت اجتماعی به ساکنین، ایجاد فرصتهایی برای مرادوات اجتماعی بیشتر، خلق تنوع و ارتقای کیفیت محیط از دیگر مزایای اختلاط کاربری‌ها به شمار می‌رود. (اصغرزاده، ۱۳۸۹، ص. ۶۲)

با این تفسیر، اختلاط کاربری‌ها و در رأس همه آنها اختلاط کاربری مسکونی با سایر کاربری‌ها، به افزایش کیفیت‌های محیط مسکونی کمک شایانی می‌نماید که چشم‌پوشی از آن را غیر ممکن می‌سازد. اما با این وجود، بی‌توجهی به اصول مهمی از قبیل سلسله مراتب قلمروها، می‌تواند این مزایا را تحت الشعاع قرار داده و در نهایت به بی‌کیفیتی فضای مسکونی بیانجامد. لذا در ادامه موضوع ترکیب محیط‌های مسکونی با سایر کاربری‌ها بیشتر مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. در چنین ترکیبی به دلیل تعامل تنگاتنگ محیط مسکونی با کاربری دوم، اهمیت چگونگی حفظ قلمرو مسکونی بیش از پیش روشن می‌شود. چگونگی هم‌نشینی این فضاها و سلسله مراتب قلمروهای فضایی در چنین مجموعه‌هایی در ادامه بحث مطرح خواهد شد.

## ۲-۱- ترکیب محیط مسکونی با سایر کاربری‌ها

موضوع جدایی محیط‌های مسکونی از محیط‌های اداری و تجاری برای خلق فضاهای مطلوب و ایده‌آل شهری، هم‌از نظر

در این راستا داگلاس پورتیوس سه مقیاس فضایی را در درون هم تعریف کرده است، مقیاس اول فضای شخصی است که منظور از آن محدوده‌ای غیر قابل رویت در اطراف فرد می‌باشد که مزاحمی به آن راه ندارد؛ مقیاس بعدی، فضای متکی به خانه است که از آن به طور فعال دفاع می‌شود و مقیاس آخر، فضای دردسترس خانه می‌باشد که مکان رفتاری زندگی فرد است. حسین الشرکاوی نیز چهارگونه قلمرو مکانی را تحت عنوان قلمرو پیوسته (حباب فضایی متعلق به فرد)، مرکزی (فضاهای به شدت شخصی مانند اتاق و خانه) حامی (فضاهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی) و پیرامونی (فضاهای عمومی) معرفی می‌کند. (لنگ، ۱۳۸۴، ص. ۱۷۰).

ایروین آلتمن، دسته‌بندی جامعی از قلمرو را به ترتیب زیر ارائه کرده است:

قلمرو اولیه: قلمروهای اولیه تحت مالکیت و استفاده انحصاری فرد یا گروه خاصی است، دیگران نیز آنها را مالک این قلمروها می‌شناسند؛ به شکلی دائمی تحت اختیار افراد هستند و در زندگی روزمره نقش اساسی دارند. برآور نیز این نوع قلمرو را شخصی نامیده و نمونه آن را خانه می‌داند.

قلمرو ثانویه: قلمرو ثانویه کمتر نقش مرکزی و انحصاری دارد و معادل گروه‌های ثانویه در جامعه شناسی است. برخی از قلمروهای ثانویه در آن واحد، هم در دسترس عموم و هم تحت نظارت استفاده‌کنندگان ثابت است. در حقیقت این مفهوم، فضای نیمه خصوصی و نیمه عمومی الکساندر، فضای تعاملی لایمن و اسکات و فضای حامی الشرکاوی را نیز در خود جای داده است.

قلمرو عمومی: این قلمرو محدوده‌ای موقتی است و تقریباً هرکسی به آن دسترسی و حق استفاده از آن را دارد. این قلمرو را آزاد و اختیاری نیز نامیده‌اند (آلتمن، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۸-۱۴۵)

## ۲. قلمرو در مجموعه‌های چند عملکردی

در قرن نوزدهم میلادی و در پی طراحی فضاهای مختلف شهر بر اساس عملکرد واحد، شرایط برای متروک شدن شهرها فراهم شد. انقلاب صنعتی و زوال زندگی شهری، فضایی علیه شهرنشینی ایجاد کرد و راه حل جدایی مناطق مسکونی از دیگر فعالیت‌های شهر را مطرح ساخت که تأثیرات نامطلوب آن امروز نیز قابل مشاهده است. (شوتنوت، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۵) نگرانی از زوال مراکز شهری، گسترش پراکنده جوامع محلی و تسلط اتومبیل بر فضای شهرها، گروهی از معماران و شهرسازان آمریکایی را بر آن داشت تا در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی جنبش نوشهرسازی را پایه‌گذاری کنند (Lehrer, 2004) که کاربری مختلط و متنوع و مسکن ترکیبی از اصول بنیادین این جنبش محسوب می‌شوند. (کاشانی‌جو، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۲)



است. بر این اساس، ۵ مرتبه مختلف از قلمروها در این مجموعه‌ها وجود دارند که عبارتند از:

مرتبه اول: قلمروهای فضایی در ارتباط بین مجتمع و شهر

مرتبه دوم: قلمروهای فضایی در ارتباط بین بخش مسکونی و واحد‌های تجاری

مرتبه سوم: قلمروهای فضایی در ارتباط واحدهای مسکونی یک مجتمع با یکدیگر

مرتبه چهارم: قلمروهای فضایی در ارتباط هر واحد مسکونی با واحد‌های هم تراز خود در یک طبقه

مرتبه پنجم: قلمروهای فضایی در یک واحد مسکونی

در میان همه این مراتب، در مرتبه دوم به دلیل هم نشینی بخش تجاری با بخش مسکونی در یک مجموعه و ارتباط تنگاتنگ میان این دو فضا، امکان تداخل قلمروهای این دو کاربری و خدشه دار شدن قلمرو مسکونی، بیش از سایر مراتب احساس شده و اهمیت مفهوم قلمرو، پررنگ‌تر از سایر مراتب است. لذا این نوشتار، تنها به بررسی نحوه ارتباط این دو فضا در این مرتبه، و بررسی نحوه هم نشینی آنها خواهد پرداخت. در همین راستا، ۸ نمونه\* از مجتمع‌های مسکونی و تجاری شهر مشهد انتخاب و تحلیل‌هایی بر روی آنها صورت گرفته است که در ادامه به شرح آن پرداخته خواهد شد. در تمامی این نمونه‌ها کاربری تجاری و مسکونی در کنار یکدیگر و در قالب یک مجموعه شکل گرفته‌اند. در برخی از نمونه‌ها، کاربری‌های دیگری نظیر کاربری‌های تفریحی، اداری و یا اقامتی نیز در نظر گرفته شده‌اند.

در ادامه ابتدا نحوه هم نشینی دو فضای تجاری و مسکونی در این مجموعه‌ها از نظر بصری تحلیل و دسته‌بندی خواهد شد و سپس الگوهای سازماندهی قلمروهای فضایی از نظر عملکردی بررسی و طبقه‌بندی آن ارائه می‌گردد.

### ۳- الگوهای سازماندهی قلمروهای فضایی در

#### مجتمع مسکونی تجاری

در این بخش ابتدا نحوه هم نشینی فضای تجاری و مسکونی در نمونه‌های انتخاب شده بررسی شده و این هم نشینی دو فضا با الگوهای معمول ترکیب دو فضا مقایسه می‌شود. در ادامه الگوهای سازماندهی قلمروهای تجاری و مسکونی از نظر بصری و عملکردی مورد بررسی قرار گرفته و تحلیلی اجمالی از مزایا و معایب هر یک از آنها ارائه خواهد شد.

#### ۳-۱- هم نشینی فضای تجاری و فضای مسکونی

این که یک فضا به طور مجرد وجود داشته باشد، امر نادرستی است. اگر هم چنین باشد، این فضا خود به حوزه‌های مختلفی تقسیم شده است. در این صورت رابطه بین این فضاها، حالت‌های گوناگونی می‌تواند داشته باشد. (گروتز، ۱۳۸۳، ص. ۲۵۱) فضای

اجتماعی و هم از نظر اقتصادی امروز دیگر قابل دفاع نیست. سیاست‌های برنامه‌ریزی که احداث برج‌های اداری در مرکز شهر را توصیه می‌کند، سبب تخریب تدریجی محیط‌های اجتماعی و اقتصادی درون شهری می‌شوند. تجدید حیات‌هایی که یکبار دیگر می‌تواند شهرها را حفظ نماید، سیاست چند عملکردی کردن بناها و فضاهای شهری خواهد بود. (شوئنوئر، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۸)

واحدهای سکونت - کار برای ساکنین این امکان را فراهم می‌کند تا از محل سکونتشان به عنوان دفتر کار، کارگاه‌های کوچک، استودیو، گالری و موارد مشابه دیگر نیز استفاده کنند. چنین فعالیت‌هایی سرزندگی را برای محلات مسکونی به ارمغان آورده و نیز از تبدیل توسعه به توسعه‌ای صرفاً مسکونی جلوگیری می‌کند. (بهزاد فر و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۴ به نقل از: Valley Connection: Loc cit و پامیر، ۱۳۸۹)

با توجه به عملکرد مطلوب محیط‌های چند عملکردی در گذشته، هیچ دلیلی برای عدم ادامه این روند در آینده وجود ندارد. رفت و آمد ساکنان و وجود پنجره‌های واحد‌های مسکونی از طبقات به محیط‌های اطراف، حضور انسان در طی زمان‌های مختلف در آنها را تضمین می‌کند، به این ترتیب نظارت و مراقبت دائمی ساکنان واحد‌های مسکونی بر محیط نیز فراهم می‌شود. لذا چند عملکردی شدن فضاها و ساختمان‌ها علاوه بر صرفه اقتصادی، امنیت رانیز به محیط‌ها باز می‌گرداند. (پوردیهیمی، ۱۳۹۱، ص. ۲۰۴) این در حالیست که عدم جدایی حریم عرصه‌های خصوصی محیط‌های مسکونی از عرصه‌های عمومی اداری و تجاری و تداخل آنها و نیز عدم تفکیک مناسب ورودی‌ها و فضاهای باز آنها و یا تعریف نامناسب مرز هریک از قلمروهای آنها، موجب خدشه دار شدن این قلمروها و در نتیجه مخدوش شدن حس خلوت ساکنین این مجموعه‌های و عدم رضایتمندی آنان از محیط مسکونی می‌شود.

بنا بر این بهره‌مندی از مزایای این اختلاط کاربری‌ها، جز با تعریف قلمرو عرصه‌های مختلف فضاهای مسکونی، روشن بودن نحوه تعامل این دو کاربری و طراحی اصولی فضاهای بینابینی در ارتباط این دو کاربری با یکدیگر، میسر نخواهد بود. در همین راستا، در جهت شناخت بهتر قلمروهای فضایی، در ادامه سلسله مراتب این قلمروها در مجموعه‌های تجاری - مسکونی به تفصیل معرفی و بررسی خواهد شد.

### ۲-۲- سلسله مراتب قلمروها در مجتمع مسکونی و

#### تجاری

در مجتمع‌های مسکونی تجاری، قلمروهای متعدد و متنوعی را از جنبه‌های مختلف می‌توان برشمرد. برای تسهیل در امر شناسایی و تحلیل این قلمروها، در این نوشتار عامل "مقیاس" برگزیده شده

می آورد. علی رغم وجود این سطوح مشترک، تغییر در ابعاد حجم و یا تغییر در نما، حدود قلمروها را از نظر بصری مشخص می نماید. به کارگیری این شیوه در مجموعه های زیست خاور، آرمان، کوثر ۱ و هنرستان دیده می شود



شکل ۲- هم نشینی متصل قلمرو تجاری و مسکونی در مجموعه زیست خاور (منبع: نگارندگان)

**۲- هم نشینی منفصل:** در این شیوه از تفکیک، مابین قلمرو تجاری و مسکونی فضای سومی قرار دارد که این فضای سوم مانع از اتصال مستقیم دو بخش تجاری و مسکونی می شود. در این گونه، قلمروها از نظر بصری بسیار مشخص تر به نظر می رسند و مجموعه خواناتر است. در برخی از گونه های بررسی شده این پژوهش، فضای میانی به صورت فضای بسته با عملکرد مشخص (مانند مجموعه مهر کوهسنگی و مجموعه برج های کوهسنگی ۱) و در برخی (مانند برج کوثر ۲ و مجموعه برج های کوهسنگی ۲)، این فضا به صورت فضایی باز در نظر گرفته شده است.

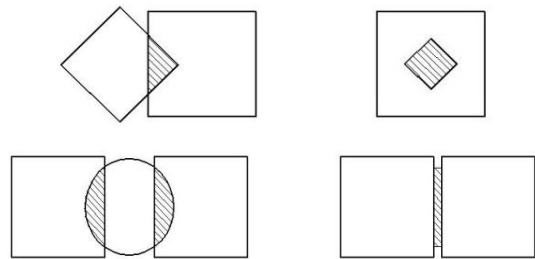


شکل ۳- هم نشینی منفصل قلمرو تجاری و مسکونی در مجموعه برج های کوهسنگی (منبع: نگارندگان)

تجاری و فضای مسکونی شکل گرفته در قالب یک مجتمع نیز مانند سایر فضاها از این قاعده مستثنی نبوده و نحوه ارتباط میان آنها حالت های مختلفی دارد. بررسی و درک چگونگی این ارتباط، در معرفی و تحلیل قلمروهای فضایی شکل گرفته میان این دو فضا امری ضروری و مهم به نظر می رسد.

فضایی در درون یک فضا، دو فضای متداخل، دو فضای مجاور و دو فضای مرتبط از طریق فضای سوم، ۴ حالت رابطه میان دو فضای معماری است که معرفی و تشریح شده اند. (چینگ: ۱۳۸۴، ص. ۱۹۵)

هریک از این حالتها کیفیت های مختلفی را برای فضاها به وجود می آورند که در هر مورد قابل بررسی است.



شکل ۱- چهار حالت مختلف ارتباط دو فضا. (منبع: دی کی چینگ: ۱۳۸۴، ص. ۱۹۵)

بررسی رابطه میان فضای تجاری و فضای مسکونی در مجتمع های مسکونی و تجاری مشهد، نشان می دهد این روابط از منظر بصری (حجم) و عملکردی (پلان)، شکل های یکسانی نداشته و شیوه های مختلفی را در نحوه ارتباط بصری و عملکردی در پیش گرفته اند. از آنجا که حالت های معرفی شده تنها زمانی معنا دارند که ارتباط میان دو فضا شکل بگیرد، لذا از این دسته بندی در الگوی سازماندهی بصری - که در آن ارتباطی بین دو فضا وجود ندارد - استفاده نشده و تنها از منظر عملکردی از این گونه شناسی بهره برده شده است. در ادامه به شرح الگوهای تفکیک قلمروها از نظر بصری و عملکردی پرداخته خواهد شد.

### ۳-۲- الگوی سازماندهی قلمروهای تجاری و مسکونی از

#### نظر بصری:

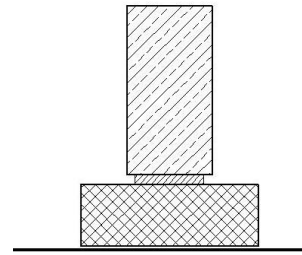
تحلیل نمونه های انتخاب شده نشان می دهد قلمروهای تجاری و مسکونی در حجم بیرونی این مجتمع ها کاملاً مشخص و نمایان است که این امر به خوانایی مجموعه ها از لحاظ بصری کمک شایانی نموده است. اما هم نشینی این قلمروها در تمامی مجموعه ها یکسان صورت نگرفته و بررسی ها نشانگر دو شیوه متفاوت از نحوه تفکیک بصری این قلمروها می باشد.

#### ۱- هم نشینی متصل:

در این گونه، قرار گیری حجم بخش مسکونی بر روی حجم تجاری سطوح مشترکی میان آنها بوجود



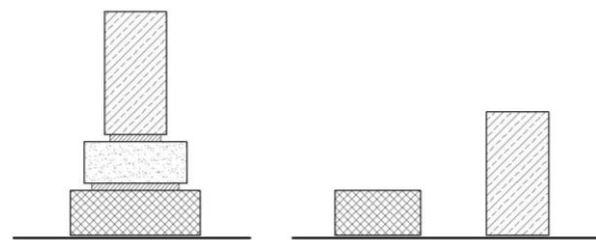
تصویر شماره ۳- دیاگرام ارتباط قلمروها در حالت همجوار (منبع: نگارندگان)



شکل ۳- الگوی ترکیب متصل قلمروهای تجاری و مسکونی از نظر بصری (منبع: نگارندگان)

### ۳-۳-۲- مرتبط از طریق فضای واسط: این شیوه ارتباطی

که در مجموعه‌های برج‌های کوهسنگی ۱، برج کوثر ۲ و مجتمع مهر کوهسنگی دیده می‌شود، به فضای تجاری این امکان را می‌دهد تا از طریق گذشتن از یک یا چند فضای میانی، با بخش مسکونی ارتباط برقرار کند. نوع این فضای میانی در نمونه‌های بررسی شده متفاوت است و رابطه دو فضای مسکونی و تجاری به کیفیت فضای سوم که رابطه مشترکی با هر دو فضا دارد بستگی خواهد داشت. (چینگ، ۱۳۸۴، ص. ۲۰۲) موقعیت این فضای واسط، دو الگوی متفاوت در نحوه ارتباط این دو کاربری ایجاد می‌کند.



شکل ۴- الگوی ترکیب منفصل قلمروهای تجاری و مسکونی از نظر بصری (منبع: نگارندگان)

### الف- فضای واسط خارج از قلمرو مجتمع: در این الگو،

فضای واسط خارج از محدوده مجتمع و جزئی از فضای عمومی شهر می‌باشد. در این الگو امکان برقراری ارتباط عملکردی در محدوده مجتمع وجود ندارد. مجموعه‌های زیست‌خاور و هنرستان از این الگو پیروی کرده و خیابان عمومی شهر، فضای واسط میان دو کاربری قلمداد می‌شود. در این الگو بخش تجاری نیز مانند فضای عمومی شهر در نظر گرفته شده و امکان دسترسی کاربر بخش تجاری به بخش مسکونی وجود ندارد. این امر از یکسو امنیت بخش مسکونی را کاملاً تضمین می‌کند اما از سوی دیگر، این تفکیک کامل، سرزندگی فضایی و هم‌چنین نظارت بخش مسکونی بر فضاهای غیر مسکونی را نیز کاهش می‌دهد.

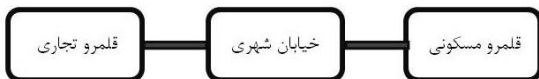
### ۳-۳-۳- الگوی ساماندهی قلمروهای تجاری و

#### مسکونی از نظر کارکردی:

بررسی الگوی تفکیک قلمروها از نظر عملکردی به دلیل آنکه در حفظ امنیت مجموعه و حفظ حریم فضای زندگی موثرتر است، نسبت به الگوی تفکیک بصری، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. در بررسی نمونه‌های این پژوهش، تحلیل نحوه ارتباط دو فضا با یکدیگر، بر اساس تعاریف ارائه شده از حالات کلی ارتباط دو فضا صورت پذیرفته است. بر این اساس دو حالت کلی در نحوه ارتباط نمونه‌های بررسی شده وجود دارد که عبارتند از:

#### ۳-۳-۱- همجوار: در این شیوه که در مجموعه‌های آرمان و

کوثر ۱ به کار رفته است، دو فضای مسکونی و تجاری در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند و ارتباطی هر چند اندک، میان آنها وجود دارد. در این شیوه، نوع ارتباط تابع شکل پردازی عناصر جداکننده دو فضا است. هر چه جدایی بیشتر باشد، فضاها از استقلال بیشتری برخوردارند. یک دیوار بین دو فضا با یک در اگرچه امکان ارتباط را برقرار می‌کند، اما الزاماً موجب ارتباط نمی‌شود. (گروتر، ۱۳۸۳، ص. ۲۵۳) در این دو مجموعه محل ارتباط دو فضا همواره توسط نیروی انسانی، مورد نظارت بوده که این امر، امکان خطاهای انسانی و کاهش امنیت بخش مسکونی را به لحاظ وجود این امکان ارتباط را افزایش می‌دهد. این درحالیست که چنین محافظتی، برای ساکنان هزینه بر می‌باشد. سلسله مراتب قلمروهای فضایی میان دو فضا در این شیوه به گونه زیر خواهد بود.



تصویر شماره ۳- دیاگرام ارتباط قلمروها در حالت مرتبط از طریق فضای خارج از مجتمع (منبع: نگارندگان)

### ب- فضای واسط داخل قلمرو مجتمع: در این الگو فضای

واسط در درون محدوده مجتمع قرار گرفته است. بدین معنا که امکان برقراری ارتباط عملکردی میان دو کاربری بدون خروج از مجتمع و به واسطه فضای سوم، وجود دارد. این الگو بر اساس نوع فضای واسط به دو دسته تقسیم می‌شود. در دسته اول فضای واسط از نوع فضاهای بسته و در دسته دوم، از نوع فضاهای باز می‌باشد



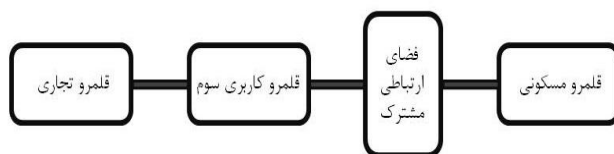


تصویر شماره ۵- دیاگرام ارتباط قلمروها در حالت مرتبط از طریق فضای باز داخل مجتمع (منبع: نگارندگان)

بررسی شیوه های گوناگون هم نشینی فضاهای تجاری و مسکونی در مجتمع های مسکونی و تجاری مشهد، نشان از تنوع الگوهای بکار رفته در سازماندهی این هم نشینی دارد که می توان آنها را از دو جنبه بصری (حجم) و کارکرد (پلان) مورد تحلیل قرار داد. نتایج حاصل از این دسته بندی و تحلیل ها به طور خلاصه در جدول زیر آمده است.

جدول ۱- مقایسه تطبیقی الگوهای مختلف سازماندهی قلمروها(منبع: نگارندگان)

ویژگی ها	نوع ارتباط	جمله بررسی	کارکردی		
			مرتبط از طریق فضای واسط	فضای واسط درون مجتمع	فضای واسط خارج از مجتمع
متصل	بصری	بصری	اتصال دو قلمرو تجاری و مسکونی در حجم مشترک دو قلمرو در سطوح کاهش خوانایی مجموعه	قرار گیری دو قلمرو قلمرو احتمال ارتباط مستقیم الزام محافظت از فضای ارتباطی کاهش امنیت	عدم دسترسی مستقیم کاربر تجاری به قلمرو مسکونی امکان تامین امنیت حداکثری فضای مسکونی کاهش سرزندگی فضایی کاهش نظارت بخش مسکونی بر فضاهای غیر مسکونی
			منفصل	انفصال دو قلمرو در حجم فضای میانی می تواند کاربری سوم و یا فضای باز باشد. مشخص بودن مرز قلمروها و خوانایی کامل	الزام محافظت از فضای ارتباطی افزایش امنیت
همجوار	بصری	بصری	کاهش امنیت	الزام محافظت از فضای ارتباطی افزایش امنیت	کاهش امنیت فضای باز در فضاهای جاری فعالیت های جاری در فضاهای باز کاهش کیفیت های محیط مسکونی
			کاهش امنیت	الزام محافظت از فضای ارتباطی افزایش امنیت	کاهش امنیت فضای باز در فضاهای جاری فعالیت های جاری در فضاهای باز کاهش کیفیت های محیط مسکونی



تصویر شماره ۴- دیاگرام ارتباط قلمروها در حالت مرتبط از طریق فضای بسته داخل مجتمع(منبع: نگارندگان)

**ب ۲- فضای واسط ، فضایی باز :** در این نمونه ، قرار گیری فضای سوم با کاربری اداری یا تفریحی در میانه دو قلمرو مسکونی و تجاری، به دلیل کاهش حجم افراد مراجعه کننده نسبت به بخش تجاری ، به کاهش تداخل قلمرو های آنها کمک شایانی نموده است. اما از آنجا که نقش اساسی محیط بیرونی در مجتمع های مسکونی در وهله اول پاسخگویی به عملکردهاست (Francis, ۲۰۰۳، ص. ۳۰-۳۳) و به عبارت دیگر محیط های خارج از ساختمان یا فضاهای مابین ساختمان ها، آگاهانه طراحی می شوند تا با ارائه مکانی که در آن فعالیت های خاص می توانند رخ دهند، از وقوع برخی رفتارها پشتیبانی نمایند (گل، ۱۳۸۷، ص. ۴۸)، زمانی که الزامات ایمنی و طراحی امکان ارتباط میان کاربری سوم و قلمرو مسکونی را از طریق فضای باز قلمرو مسکونی بوجود می آورد، می تواند این فعالیت ها و کیفیت حاصل از آن را تحت الشعاع قرار داده و امنیت آن را خدشه دار سازد. استفاده از فضاهای باز میان ساختمان ها برای انجام طیفی از فعالیت ها (ضروری، انتخابی و اجتماعی)، مطابق نظریات گل (۱۳۸۷، ص. ۲۴-۳۰)، یکی از الزامات اساسی در تبدیل فضاهای مسکونی به محیط های معنادار و جذاب و متعاقباً سرزنده است که تداخل عملکردی قلمرو ها در این بخش از فضای مسکونی می تواند ضربه جدی به کیفیت محیط مسکونی وارد آورد.

## نتیجه گیری :

بررسی الگوهای سازماندهی قلمروهای مسکونی و تجاری از منظر نحوه ترکیب و هم نشینی این قلمروها ، دو الگوی متفاوت متصل و منفصل را آشکار می سازد که خوانایی بصری در الگوی منفصل بیشتر از الگوی متصل می باشد.

همچنین این بررسی ها در نحوه ارتباط فضاهای مختلف مجتمع های مسکونی و تجاری ، نشانگر تبعیت این فضاها از دو الگوی همجواری و مرتبط از طریق فضای سوم می باشد که الگوی دوم بنا به نوع و موقعیت فضای واسط ، الگوهای متنوع دیگری را در خود جای می دهد.

خارج بودن فضای واسط از قلمرو مجتمع، پویایی مجموعه را خدشه دار می سازد و ارتباط بیش از اندازه ، خلوت مطلوب ساکنان را به مخاطره می اندازد.

تنوع فضایی حاصل از الگوهای مختلف ، مراتب متفاوتی از خلوت را برای ساکنان خود فراهم می آورد. در این میان الگوهایی که به واسطه ارتباط میان کاربری ها، فضاهای با ز قلمرو مسکونی آنها در ارتباط با سایر کاربری ها قرار می گیرد، بیش از سایرین کیفیتهای محیطی خود را از دست می دهند. چرا که علاوه بر مخدوش شدن حس تعلق و امنیت ساکنان، فعالیت های جاری در فضاهای باز نیز تحت تاثیر قرار می گیرد.

در الگوهایی که از یک سو خلوت مطلوب ساکنان تامین شده و از سوی دیگر سرزندگی و پویایی محیط تامین شده باشد ، بیش از سایرین رضایتمندی ساکنان را به همراه دارد.

## مراجع

- آلنمن، ایروین. (۱۳۹۰). محیط و رفتار اجتماعی. ترجمه علی نمازیان. تهران : انتشارات دانشگاه بهشتی.
- ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۷). توسعه پایدار روستایی. تهران: اطلاعات.
- اصغر زاده یزدی، سارا. (۱۳۸۹). اصول پیشنهادی نوشهرگرایی در برنامه ریزی محله های شهری. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۲۹، (۱۳۰)، ۵۰ - ۶۳.
- امامقلی، عقیل، آیوازیان، سیمون، زاده محمدی، علی، اسلامی، سیدغلامرضا . (۱۳۹۱) روانشناسی محیطی ، عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری . فصلنامه پژوهشها و مطالعات علوم رفتاری، جلد ۱۴، ۴، ۲۳-۴۴.
- بحرینی، سیدحسین، تاج بخش، گلناز، (۱۳۷۸)، مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن. نشریه هنرهای زیبا، ۶، ۱۸-۳۱.
- بهبادفر، مصطفی، ذبیحی، مریم. (۱۳۹۰) راهنمای برنامه سازی حوزه های شهری در چارچوب توسعه مبتنی بر حمل و نقل عمومی. فصلنامه باغ نظر، ۸ (۱۸) ،
- پرتوی، پروین. (۱۳۸۷) . پدیدارشناسی مکان. تهران : انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۱) . شهر، مسکن و مجموعه ها. تهران : انتشارات آرمان شهر.
- جیکوبز ، جین ، (۱۳۸۶). زندگی و مرگ شهرهای بزرگ امریکایی ، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چینگ ، فرانسیس. (۱۳۸۴) معماری: فرم ، فضا ، نظم. ترجمه زهره قراگوزلو. تهران : انتشارات دانشگاه تهران.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸) ، ابداع معماری از غار تا شهر. فصلنامه آبادی، ۱۹(۳۰)، ۴ - ۱۱
- سیدیان، سیدعلی، یگانه، منصور. (۱۳۸۶). بازنگری مفهوم محصوریت کالبدی در فضاهای شهری. نشریه راه و ساختمان. ۴۶ .
- شونثوئر، نوربرت. (۱۳۸۹) مسکن ، حومه و شهر. ترجمه دکتر شهرام پوردیهیمی. تهران : انتشارات روزنه .
- علی الحسینی ، مهران و دانشمند ، سارا. (۱۳۸۷). ارزیابی ظرفیت همجواری قلمروهای فضایی در واحد مسکونی . نشریه بین المللی علوم مهندسی ، ویژه نامه مهندسی معماری و شهرسازی ، ۱۹(۶) ، ۲۳ - ۳۳.
- عینی فر، علیرضا، آقالطیفی، آزاده. (۱۳۹۰) . مفهوم قلمرو در مجموعه های مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران. نشریه هنرهای زیبا، ۴۷، ۱۷-۲۸.

Bonham-Carter, C. (۲۰۱۰). Sustainable Communities in the UK. Published in Sustainable Communities. Edited by Woodrow W. Clark II. USA: Springer.

Francis, M (2003), Urban open space: Designing for user needs, Island Press, Washington D.C

Lehrer, Jim. (۲۰۰۴) "What is New Urbanism?" www.Newurbanism.org,

Sun-Young, Rieh (2003) "Boundary and Sense of Place in Traditional Korean Dwelling", Sungkyun Journal of East Asian Studies. Vol.3. No.2

Seamon, David, & Sowers, Jacob (2008) "Place and Placeness", Edward Relph, Key texts in Human Geography, London.

Seamon, David, (2010) "Gaston Bachelard's Topoanalysis in the 21st Century", [published as a chapter in Phenomenology, Lester Embree, editor, Zeta Books, Bucharest, Romania,]

Lawson, Bryan, (2001), The Language Of Space, Architectural Press

فلامکی، محمدمنصور، پورعلی، مصطفی، طالبیان، محمدحسن، هاشم نژاد، هاشم. (۱۳۹۳)، قلمروهای تفاهمی، بررسی موردی: ایجاد تلابیش در ماسوله، دوفصلنامه مطالعات معماری ایران، ۶، ۲۵-۴۰

قلعه نویی، محمود. (۱۳۹۲) طرح پژوهشی تبیین حریم و قلمرو در معماری و شهرسازی اسلامی ایران و ارائه راهکار جهت بکارگیری اصول آن در دوره معاصر. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کاشانی جو، خشایار. (۱۳۸۹)، بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری. نشریه هویت شهر، ۴(۶)، ۹۵-۱۰۶  
گروتز، یورگ کورت. (۱۳۸۳). زیبایی شناسی در معماری. ترجمه دکتر جهان‌شاه پاکزاد و مهندس عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه بهشتی.

گل، یان، (۱۳۸۷). زندگی در فضای میان ساختمان ها، ترجمه: شیما شصتی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.  
لنگ، جان. (۱۳۹۱). آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه دکتر علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

یگانه، منصور، بمانیان، محمدرضا، عینی فر، علیرضا، انصاری، مجتبی. (۱۳۹۳). تبیین رابطه رفتار قلمروپایی شهروندان با معیار ادراک پیوستگی ساختمان و شهر در فضای عمومی. نشریه هویت شهر، ۱۹(۸)، ۵-۱۸